

نقش مدیریت درآمدها در مدیریت ازدواج**فاطمه زارع مویدی**

کارشناس ارشد MBA، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸

The Role of Income Management in Marriage Management**Fatemh Zare Moayedi**

MABA MA, University of Tehran (Author in charge)

Received: (24/05/2022)

Accepted: (29/06/2022)

Abstract:**چکیده**

The marriage, regardless of a social phenomenon, is a complex supercar. Many factors can be involved in the arrival of a marriage. The cultural and social dimensions can be contemplated and remedied by understanding the parties, if they are interested in each other and have reached each other's acceptance! But what causes disruption, delay, and not leading to this sacred phenomenon is the system of economic-financial issues. Therefore, the purpose of this study is to investigate the role of revenue management as an economic representative in marriage management. To this end, the assumption test was examined by surveying and poll of 100 experts in the field, using multiple regression inferential statistics. The findings suggest that boys' employment, inflation and high costs, marriage costs, housing prices, daily living costs, inadequate government facilities, low wages, economic instability in commodities, inability to save, government policies, and inability to provide dowry in management Marriage has a significant role.

Keywords:

Revenue management, marriage management, roles

ازدواج فارغ از یک پدیده اجتماعی، یک ابرسیستم پیچیده است. عوامل زیادی تا به ثمر رسیدن یک ازدواج می‌توانند دخیل باشند. ابعاد فرهنگی و اجتماعی با درک طرفین قابل تأمل و مرتفع شدن است، اگر به همدیگر علاقه داشته و به قدرت پذیرش یکدیگر رسیده باشند! اما آنچه سبب اختلال، تأخیر و منجر نشدن این پدیده مقدس می‌شود، نظام مسائل اقتصادی- مالی است. به همین روی، هدف در این تحقیق بررسی نقش مدیریت درآمدها به عنوان نماینده مؤلفه اقتصادی در مدیریت ازدواج است. بدین منظور، با پیمایش و نظرسنجی از ۱۰۰ تن از خبرگان این حوزه و با استفاده از آمار استنباطی رگرسیون چندگانه، همزمان به بررسی آزمون فرض پرداخته شد. یافته‌ها حاکی از آن است که به ترتیب اشتغال پسران، تورم و گرانی‌ها، هزینه‌های ازدواج، قیمت مسکن، هزینه‌های زندگی روزمره، تسهیلات ناکافی دولت، دستمزدهای پایین، عدم ثبات اقتصادی در کالاها، عدم توانایی پس‌انداز، سیاست‌های دولت و عدم توان تهیه جهیزیه در مدیریت ازدواج نقش و سهم بسزایی دارند.

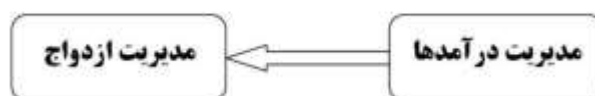
واژه‌های کلیدی: مدیریت درآمدها، مدیریت ازدواج، نقش‌ها

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مناقشه‌ها در عرصه مطالعات خانواده، بحث چگونگی اثر شرایط مدرن بر ازدواج بوده است (صادقی فسایی و بنی‌جمالی، ۱۳۹۸). البته شرایط حاکم بر پدیده ازدواج، فارغ از دنیای مدرن و پسامدرن اکنون در حداقل‌ها دچار توقف‌هایی است که اینها خود سبب موانعی جدی برای دست‌وپنجه نرم کردن با این عنصر اجتماعی شده است. تغییرات زمینه‌های اجتماعی سهمی اساسی در صورت‌بندی انگیزه‌ها و تمایلات انسانی داشته و منجر به تغییر ذائقه افراد شده است که می‌توان به انواع سیاست‌گذاری‌های تعمدی و اتخاذ استراتژی‌های ساختاری برای هماهنگی تمایلات فردی و تمایلات برساخته شده اجتماعی با فرهنگ و ساختارهای حاکم بر آن اشاره کرد (رستمی و همکاران، ۱۳۹۹). یکی از عواملی که این پدیده قرآنی و سنتی را دچار چالش کرده و اتفاق ازدواج را به تأخیر انداخته، نظام مسائل اقتصادی است. اکنون بسیاری از مشخصه‌های اقتصاد ایران، شرایط را با عدم قطعیت همراه کرده است. نوسان بسیار در وضعیت اقتصاد از جمله تورم پیش‌بینی ناپذیر، رشد اقتصادی کم و کاهش درآمد سرانه، همگی دلایلی بر وضعیت بی‌ثبات و در نتیجه، عدم قطعیت و پیش‌بینی ناپذیری در زندگی جوانان است (بنی‌جمالی و صادقی فسایی، ۱۴۰۰). بُعد مالی ازدواج یکی از نکات بسیار مهم است. شاید به همین دلیل، توجه به جایگاه خانواده و اولویت رسیدگی به امر ازدواج یکی از مصادیق بارز سیاست‌هایی است که توجه لازم به آن نشده است (امیدی و همکاران، ۱۳۹۶). جوانان به دلایل مختلف از مبادرت به ازدواج دوری می‌کنند و پدیده تأخیر در سن ازدواج نه در حکم امری شخصی، بلکه به منزله مسئله‌ای اجتماعی نمود یافته است (آقاسی و فلاح مین باشی، ۱۳۹۴). مشکلات و وقایع درونی و بیرونی (آنچه که از درون و برون افراد و در ساختار خانواده‌ها شکل می‌گیرد) به دو دسته مقدماتی - سنتی و پیشرفته - مدرن تقسیم می‌شوند: که در نگاه اول؛ نوع انتخاب همسر و دخالت در آن، ازدواج‌های فامیلی، چندزنی، قابلیت فرزندآوری، پایین بودن سن ازدواج، فاصله سنی، ازدواج مجدد و در نگاه دوم؛ ترس از مسئولیت‌های ازدواج، فشارهای اقتصادی، سبک زندگی واگرایانه و لذت‌طلبانه‌تر، ازدواج سفید، افزایش سطح توقع طرفین را می‌توان نام برد. سؤال اساسی اینجاست که اگر تمامی مسائل یاد شده با تفاهم و درک طرفین به‌ویژه قشر تحصیل کرده مرتفع شوند و به حل بالفعلی برسند، پس دیگر ایراد کجاست؟ چرا ازدواج همچنان کم‌رنگ است؟ بنابراین به نظر می‌رسد ردپای عامل دیگری در این پدیده دخیل است که تاکنون برای آن نسخه‌ای کاربردی پیچیده نشده است و آن عامل مدیریت درآمدها است. مدیریت درآمدها در ازدواج به دو دسته است: الف) گروه‌ها و مشاغلی که با این حوزه سروکار دارند و حاضر نیستند در این امر مبارک از منافع خود کمی بکاهند و به آن به چشم بنگاه اقتصادی کلان می‌نگرند، ب) میزان درآمد زوجین و خانواده‌های آنان. سؤال اساسی دیگر که به وجود می‌آید در باب مورد دوم، این است که آیا درآمدی مکفی در جامعه جریان دارد که فرد بتواند آن را مدیریت کند و سپس به ازدواج دلخواه خود برسد؟ آیا با درآمدهای رایج و موجود می‌توان از پس هزینه‌های تحمیل شده، نهادی و بدون الگوی ازدواج برآمد؟ و آیا هزینه‌های روزمره زندگی به گونه‌ای هست که فرد درآمد خود را با کسر هزینه‌ها در سودی قابل توجه برای ازدواج ببیند؟ بنابراین هدف در این پژوهش، بررسی نقش مدیریت درآمدها در مدیریت ازدواج می‌باشد.

مدل مفهومی پژوهش

در این پژوهش، مدیریت درآمدها (مستقل) و پیش‌بین و مدیریت ازدواج (وابسته) ملاک خواهد بود.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بررسی نظریه‌های گوناگون در زمینه ازدواج، تشکیل خانواده و تغییر در ملاک‌ها به فراخور مقتضیات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به مدلی جامع به گونه ذیل می‌توان رسید (آقاسی و فلاح مین باشی، ۱۳۹۴):



همچنین آقاسی و فلاح مین باشی (۱۳۹۴) در پژوهش خود، اولویت‌بندی دلایل ازدواج نکردن را از نظر جامعه آماری این‌گونه ترتیب کردند: نیافتن همسر دلخواه، نداشتن شغل، بالا بودن هزینه زندگی مشترک، بالا بودن هزینه تشریفات ازدواج، بالا بودن توقعات خانواده‌ها و مخالفت آنها، ترس از ازدواج ناموفق، بی‌اعتمادی به جنس مخالف، مردد بودن در تصمیم‌گیری، بالا بودن سطح انتظار طرف مقابل، داشتن برادر یا خواهر بزرگتر و مجرد، نداشتن انگیزه عاطفی لازم، ترس از مسئولیت‌های زندگی، محدودیت‌های زندگی متأهلی، مشغول به تحصیل بودن، سن کم و سایر موارد.

انسان از آغاز زندگی در کره زمین، خود را متشکل از دو نوع مختلف زن و مرد یافت. این دو موجود با تفکر درباره خویش و یکدیگر به شباهت‌هایی در عین تفاوت بین یکدیگر پی بردند. این دو موجود به دلایلی به یکدیگر علاقه و کشش پیدا کردند و برای اینکه انسان‌هایی از نوع خود پدید آورند باید به یکدیگر تعهد دهند تا پایان عمر در کنار هم بمانند و این تعهد را تحت پوشش مراسمی در حضور دیگران علنی می‌کنند که ادیان نیز بر برپایی این مراسم و اعلان زندگی مشترک دو نفر تأکید می‌کنند. این ازدواج فواید بسیاری از جمله دستیابی به آرامش، رسیدن به استقلال اجتماعی، اقتصادی و تولید نسل و محافظت از آن و... دارد که با توجه به این فواید، لزوم برگزاری آن درک می‌شود. اما موانعی وجود دارد که مانع می‌شود تا در برخی موارد، ازدواج صورت نگیرد و یا اگر ازدواجی صورت گیرد به طلاق منجر می‌شود (ملکی گلندوز، ۱۳۹۵).

موانع اجتماعی و مؤلفه‌های آن: شیوع بی‌اعتمادی در بین جوانان، عدم وجود آمادگی و تجربه در میان مجردین، عدم مهارت ارتباطی و آشنایی بینابین در زوجین، نبود آموزش و ناآگاهی متقاضیان ازدواج از ازدواج، گریز از مسئولیت، آزادی روابط دختر و پسر در جامعه، روابط قبل از ازدواج دختر و پسر، نرسیدن جوانان به بلوغ‌های چندگانه زمان ازدواج و تشکیل خانواده، چرخه زندگی خانوادگی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین مسائل جنسی، فکری، روانی، اجتماعی، گسترش فساد و انحرافات جنسی و روابط نامشروع، پیدایش یأس و ناامیدی در جامعه، ترس از شکست، گذراندن بیشتر اوقات با دوستان، تأکید بر استقلال در بین جوانان از جمله مواردی است که در لایه‌های پنهان ویژگی اجتماعی نهفته است.

موانع فرهنگی و مؤلفه‌های آن: رواج فرهنگ‌ها، باورها و اعتقادات غلط در بین خانواده‌ها، تبلیغات صدا و سیما بعضاً مخالف روش ازدواج است. مثلاً نمایش رابطه عاشقانه قبل از ازدواج، اشتغال به تحصیل، مخالفت والدین با امر ازدواج، ازدواج ناموفق والدین یا یکی از اعضای خانواده، توقعات بی‌جا از همسر آینده، ازدواج نکردن خواهر و برادر بزرگتر، مشکل‌پسندی جوانان، عدم همراهی پدر و مادر، تغییر دید خانواده‌ها در ازدواج جوانان که سعی در امتیازگیری از طرف مقابل دارند، می‌توان اشاره کرد.

موانع اقتصادی و مؤلفه‌های آن: در مؤلفه‌های عوامل اقتصادی به بیکاری جوانان، تهیه مسکن، عدم استقلال مالی جوانان، تأمین جهیزیه، وجود هزینه‌های سنگین ازدواج و وجود مهریه‌های سنگین اشاره شده است (علایی بوسجین، ۱۴۰۰). ساختارهای کلان اقتصادی و اجتماعی، ویژگی‌های فردی و دسترسی به همسر مناسب، موجبات تعجیل یا تأخیر در ازدواج را فراهم می‌آورند. افزایش سن ازدواج در دوره معاصر، دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی را نیز به همراه داشته است. ازدواج‌های جدیدتر، در سنین بالاتری اتفاق افتاده‌اند. میزان تحصیلات، به‌ویژه در مقاطع بالای تحصیلی، با افزایش سن ازدواج همبستگی داشته است. شهرنشینی، مشارکت زنان در نیروی کار، ازدواج‌های آزادتر، برابری بیشتر جنسیتی و نسبت خویشاوندی دورتر زوجین، اثر مستقیمی بر سن ازدواج داشته‌اند. قومیت در افزایش و کاهش سن ازدواج تأثیر داشته است. در تحلیل چندمتغیره، مدت ازدواج،

میزان تحصیلات، محل سکونت، نسبت خویشاوندی با همسر و قومیت، اثر معنی دار خود را حفظ کرده‌اند. این تأثیرات می‌توانند با توجه به دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی جامعه در جهت تلاش برای ارتقای موقعیت زنان، تحول در نظام‌های شغلی، تغییر سهم افراد آماده ازدواج و جویای کار در جمعیت، تحول در میزان دستیابی به همسر مناسب و تغییرات در هنجارها و ارزش‌های مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده تفسیر شوند (محمودیان، ۱۳۸۳).

ناستی زائی (۱۳۸۵) در پژوهشی موانع ازدواج دختران را بالا بودن هزینه ازدواج، بالا بودن هزینه زندگی، نداشتن جهیزیه مناسب، بیکاری خواستگار، نداشتن حداقل درآمد برای اداره زندگی، وابستگی مالی خواستگار به والدین، فاصله طبقاتی دو خانواده، اعتقاد به ازدواج فامیلی، عدم رضایت خانواده به سکونت دختر در شهر دیگر، انتخاب خواستگار توسط والدین، عیب شمردن جلسات آشنایی قبل از ازدواج، اعتقاد به کوچک‌تر بودن دختر از پسر در ازدواج، اعتقاد به ازدواج دختر کوچک‌تر پس از دختر بزرگتر، عیب شمردن مطرح نمودن مسئله ازدواج توسط خانواده دختر، وضع مهریه سنگین، نداشتن شغل مناسب، برگزاری مراسم مجلل عروسی، سخت‌گیری بیش از حد والدین، بالا رفتن سطح توقعات دختران، ازدواج پس از اتمام تحصیلات، چشم و هم‌چشمی در ازدواج و بالا بودن تحصیلات دختر نسبت به پسر می‌شمرد. بنابراین به نظر می‌رسد دغدغه‌های مطالعاتی در حوزه ازدواج با پردازش به عامل بنیان‌محور اقتصاد که مدیریت درآمدها در نحله اساسی این رکن جابایی می‌شود، تا حد زیادی برطرف گردد.

روش پژوهش

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع جمع‌آوری داده‌ها پیمایشی - توصیفی و در گروه میزان‌سنجی همبستگی (رگرسیون) قابل انجام بوده و بدین منظور پس از گردآوری مطالعات کتابخانه‌ای و به اشتراک‌گذاری پرسشنامه‌ای استاندارد در طیف لیکرت از ۱۰۰ تن از اساتید، خبرگان و فعالین حوزه ازدواج با نگاه اقتصادی سؤالی مطرح شد مبنی بر اینکه نقش مدیریت درآمدها در مدیریت ازدواج چگونه است؟ بنابراین تحقیق پیش‌رو اجرایی می‌شود.

یافته‌ها

فرضیه پژوهش:

- مدیریت درآمدها در مدیریت ازدواج نقش دارد.

بررسی آزمون فرض:

براساس ماهیت فرضیه پژوهش، آزمون آماری رگرسیون چندگانه همزمان خواهد بود.

جدول ۱: همبستگی مدیریت درآمدها و مدیریت ازدواج

متغیر ملاک	متغیر	R	R ²	R ² تعدیل	F	B	β	t	sig
	پیش‌بین مدیریت درآمدها	-	-	ی	-	-	-	-	-
مدیریت ازدواج	اشتغال پسران	۰/۳۵	۰/۲۰	۰/۱۲	۱/۷۲ ۴۶	۰/۲۱	-۰/۲۵	۶/۸۳	-
	هزینه‌های ازدواج	۰/۳۶	۰/۱۲	۰/۰۵	۱/۴۱ ۳۲	۰/۰۸	-۰/۱۸	۴/۷۰
	هزینه‌های زندگی روزمره	۰/۳۳	۰/۰۹	۰/۰۹	۱/۱۲ ۳۳	۰/۱۷	-۰/۲۵	۵/۰۶
	عدم توانایی پس‌انداز	۰/۷۰	۰/۰۵	۰/۰۸	۱/۰۸ ۱۹	۰/۰۹	-۰/۱۸	۴/۱۷
	تورم و گرانی‌ها	۰/۷۳	۰/۱۴	۰/۰۴	۲/۱۷	۰/۰۸	-۰/۱۰	۲/۲۸
	عدم ثبات اقتصادی در کالاها	۰/۸۰	۰/۰۶	۰/۱۰	۱/۰۱ ۳۹	۰/۰۶	-۰/۳۲	۱/۲۸۵ ۲
	سیاست‌ها	۰/۹۳	۰/۰۵	۰/۱۱	۱/۱۶	۰/۰۲	-۰/۴۵	۱/۹۱۸

ی دولت				۴۱			۳
تسهیلات ناکافی دولت	۰/۷۸	۰/۰۹	۰/۰۶	۱۵/	۰/۰۳	۰/۲۸	۱۲۳/
دستمزدها ی پایین	۰/۶۵	۰/۰۸	۰/۰۲	۱۳/	۰/۰۴	۰/۲۰	۲۷۸/
قیمت مسکن	۰/۵۹	۰/۱۰	۰/۰۹	۱۸/	۰/۰۷	۰/۱۱	۲/۹۰
عدم توان تهیه جهیزیه	۰/۴۸	۰/۰۲	۰/۰۳	۱۳/	۰/۰۲	۰/۱۹	۴/۸۰

از نتایج جدول فوق می‌توان یافت که همه عواملی که در زیرمجموعه متغیر مستقل تحقیق یعنی مدیریت درآمدها قرار می‌گیرند در متغیر وابسته یعنی مدیریت ازدواج نقش پیش‌بین معناداری دارند. همچنین به لحاظ سهم یا درصد بیشترین به کمترین عامل دخیل در شکل‌گیری مدیریت درآمدها مؤلفه‌های اشتغال پسران با ۲۹ درصد، تورم و گرانی‌ها با ۱۴ درصد، هزینه‌های ازدواج با ۱۲ درصد، قیمت مسکن با ۱۰ درصد، هزینه‌های زندگی روزمره و تسهیلات ناکافی دولت با ۹ درصد، دستمزدهای پایین با ۸ درصد، عدم ثبات اقتصادی در کالاها با ۶ درصد، عدم توانایی پس‌انداز و سیاست‌های دولت با ۵ درصد و عدم توان تهیه جهیزیه با ۲ درصد در مدیریت ازدواج نقش اثرگذار و معنی‌داری دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد مسائل فردی و جمعی در ازدواج دخیل هستند. مسائل فرهنگی مانند آداب، معاشرتی و قومیتی یا اجتماعی مانند سواد، سن و امثالهم در صورتی که طرفین به درک پذیرش یکدیگر برسند، قابل حل است؛ لذا آنچه که حل نشدنی و یا مانع اساسی است و هیچ‌گونه نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد، نظام مسائل اقتصادی است. این ادعا قابل اثبات است که عقبه و صبغه فرهنگی و اجتماعی طرفین با رسیدن به علاقه مشترک و درک مشترک از ازدواج صحیح قابل حل است که کنترل این عوامل تا حد زیادی دست خودشان است. اما در مباحث اقتصادی به‌ویژه مدیریت درآمدها که خود شامل ارکان بسیاری است، غیرقابل کنترل است و از عهده و توان طرفین خارج است. همان‌طور که بیشترین درصد یافته این تحقیق به اشتغال پسران اختصاص یافته است، به همین روی، خالی از لطف نمی‌باشد که یک مرور ساده شود به روند درآمدی و اشتغال پسر به عنوان ورودی سیستم تشکیل خانواده؛ از همین‌رو، با فرض اینکه یک پسر با اتمام تحصیل خود در مقطع لیسانس و اتمام دوره مقدس سربازی به سنی حدود ۲۵ سال می‌رسد، خب پرواضح است که از طرفی شاید به پختگی متناسب با ازدواج نرسیده باشد یا شاید اصلاً در حال و هوای آن قرار نگیرد، از طرف دیگر با استارت شروع به کار در این سن با عوامل دیگری از جمله تورم و گرانی، قیمت مسکن، هزینه‌های روزمره زندگی، دستمزدهای پایین، عدم توانایی پس‌انداز و عدم ثبات اقتصادی کالاها که در این پژوهش یافت شد، باید چند سال و با چه سبکی درآمد خود را مدیریت کند که به ازدواج دلخواه خود برسد! تأخیر در ازدواج آیا فرد را بی‌حس و بی‌انگیزه نمی‌کند؟ اگر به فرد دلخواه خود نرسد با مانعی چون درآمد، آیا این حق‌الناس نیست و آیا این حق‌الناس به گردن چه کسی خواهد بود؟ بحث قانع بودن و تفاهم یک چیز است، بحث بر اینکه پسر به عنوان شروع‌کننده ازدواج حداقل درآمد راحتی با وجود مدارک عالی‌ه نداشته باشد، این ریشه در چه دارد؟ آیا توانایی و استعداد فردی اینجا مطرح است یا ساختار و بنیان ناشی از عوامل بیرونی مانند دولت یا سیاست‌هایش؟ لذا این یک دور باطل نیست و اتفاقاً یک دور قوی است، چرا که با عدم ازدواج ما با عدم فرزندآوری و عدم افزایش جمعیت و با عدم برخورداری از افراد متخصص روبه‌رو می‌شویم که باز به عامل اشتغال‌زایی خواهیم رسید. پس آنچه از همه در مدیریت درآمدها در ازدواج مهم‌تر است، اشتغال پسران است.

منابع

- صادقی فسایی، سهیلا و بنی‌جمالی، سیدمحسن (۱۳۹۸). "جوانان، خانواده و مدیریت ازدواج". مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۱۸، شماره ۴۴.
- رستمی، فاطمه؛ جاراللهی، عذرا؛ زاهدی اصل، محمد و کرمی قهی، محمدتقی (۱۳۹۹). "زمینه‌های بازگشت زنان ازدواج‌کرده به مدرسه: آموزه‌هایی کاربردی برای مدیریت مدارس". فصلنامه علمی مدیریت مدرسه، دوره هشتم، شماره دو، ۳۰۱-۳۲۲.

- بنی‌جمالی، سیدمحسن و صادقی فسایی، سهیلا (۱۴۰۰). "شرایط نامتعین و راهبردهای جوانان در مدیریت ازدواج". مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره چهاردهم، شماره ۳، ۲۶-۵۳.
- امیدی، محمدرضا؛ امیدی، نبی؛ شیری، اردشیر و محمدی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۹۶). "توسعه کاربرد مدل‌های باکس جنکینز، شبکه عصبی مصنوعی و تعدیل نمایی در پیش‌بینی و مدیریت پدیده‌های اجتماعی است (مطالعه موردی: پیش‌بینی روند ازدواج و طلاق در استان ایلام)". فصلنامه آینده‌پژوهی مدیریت، سال ۲۸، شماره ۱۱۰، ۴۱-۵۴.
- آقاسی، محمد و فلاح مین‌باشی، فاطمه (۱۳۹۴). "نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده". ویژه‌نامه پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۶، شماره اول، ۱-۲۱.
- ملکی گلندوز، پری (۱۳۹۵). "موانع ازدواج و راهکارهای برون‌رفت از آن". سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی، ایتالیا.
- علایی بوسجین، محسن (۱۴۰۰). "توسعه راهکارهای جامعه‌شناختی رفع موانع و مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ازدواج جوانان". مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۱۳، شماره ۲، ۲۳۷-۲۴۷.
- ناستی زائی، ناصر (۱۳۸۵). "موانع ازدواج دختران". علوم تربیتی و روانشناسی، سال سوم، ۹۱-۱۰۸.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳). "سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان". علوم اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۴، ۲۷-۵۴.

- Becker, G. S. (1973). A theory of marriage: Part I. *Journal of Political Economy*, 81, 813-846.
- Becker, G. S. (1991). *A treatise on the family*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Bergmann, B. (1986). *The economic emergence of women*. New York: Basic Books.
- Bergmann, B. (1995). Becker's theory of the family: Preposterous conclusions. *Feminist Economics*, 1, 141-150.
- Blumstein, P., & Schwartz, P. (1983). *American couples: Money, work, sex*. New York: William Morrow and Company, Inc.
- Burgoyne, C. B. (1990). Money in marriage: How patterns of allocation both reflect and conceal power. *The Sociological Review*, 38, 634-665.